

## تحلیلی بر ساختار زبانی غالب در گزیده‌ای از مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی<sup>۱</sup>

ناهید مؤید حکمت\*

### چکیده

نظر به این‌که، در غالب متون جامعه‌شناسی در حوزه فرهنگ، بر اهمیت زبان به‌عنوان کلیدی‌ترین عنصر نمادین غیر مادی فرهنگ تأکید شده است، بررسی ساختار کلامی مستتر در گزیده‌ای از مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی به‌مثابه مطالعه‌ای در حوزه فرهنگ شفاهی توجیه می‌گردد. در مقاله حاضر، بررسی صورت بلاغی، نحوه خطاب، و شیوه بیان مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی محورهای اساسی مورد توجه درخصوص شناسایی ساختار زبانی در نظر گرفته شده است. روش تحقیق به‌کاررفته در پژوهشی که مقاله مزبور برگرفته از آن است کمی و شیوه گردآوری اطلاعات تحلیل محتوا است که یکی از متداول‌ترین شیوه‌ها در حوزه شناسایی هویت آثار ادبی است. این پژوهش از نوع اکتشافی است و فرضیه‌ای را به آزمون نمی‌گذارد. هدف این پژوهش، تمرکز بر بعد کلامی گزیده‌ای از مثل‌ها و تعبیرهای کنایی است که در آثار مکتوب اندیشمندان مختلف گردآوری شده است؛ هرچند ممکن است امروزه برخی از این مثل‌ها دیگر به‌کار برده نشوند و با اصطلاحات دیگری جایگزین شده باشند. یافته‌های تحقیق، که ادعای تعمیم آن‌ها وجود ندارد، حاکی از آن است که صورت بلاغی تعبیر کنایی، نحوه خطاب غیر مستقیم به انسان، و شیوه بیان عاطفی بارزترین نمود ساختار کلامی در مثل‌ها و تعبیرهای کنایی مورد بررسی‌اند. افزون‌بر این، مورد اخیر - عاطفه‌گرایی - فصل مشترک یافته‌های ساختار کلامی با یافته‌های این پژوهش در دو بعد دیگر آن، یعنی بعد

\* استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی nahidmoayedhekmat@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱/۲۷

ارزشی و بعد نگرشی است. این یافته را چنین می‌توان تعبیر کرد که تحلیل و فهم ساختار زبانی در متن فرهنگی و شرایط خاص اجتماعی، یعنی فضای گفتمانی سرشته در آن، تولید و دریافت می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** مثل‌های فارسی، تعبیرهای کنایی فارسی، صورت بلاغی، نحوه خطاب، تحلیل گفتمان، تحلیل محتوا.

## ۱. مقدمه

بررسی ساختار کلامی مثل‌ها (proverbs) و تعبیرهای کنایی (expressions) فارسی معنا و مفهوم خاص خود را از آن‌رو می‌یابد که مربوط به مطالعه‌ای درخصوص یکی از عمده‌ترین عناصر فرهنگی جامعه ما یعنی زبان است (Calhoun et al., 1994)؛ به‌ویژه آن‌که بپذیریم فرهنگ هر جامعه منحصر به خود آن جامعه و دربرگیرنده ویژگی‌های زبانی خاصی است که الزاماً در جایی دیگر یافت نمی‌شود (گیدنز، ۱۳۷۳)؛ و نیز، بدون بهره‌گیری از زبان، الگوهای پیچیده فکری و احساسی را نمی‌توان از نسلی به نسل دیگر منتقل کرد (رالستون، ۱۳۸۵). انسان‌ها با استفاده از زبان به شیوه‌های اساسی زیر با یک‌دیگر ارتباط برقرار می‌کنند. نخست زبان گفتاری شامل نظام صوتی که آموزش و ارتباط میان انسان‌ها را آسان می‌کند، سپس زبان نوشتاری که از طریق آن زبان گفتاری ثبت و ترسیم و میراث فرهنگی جامعه محفوظ می‌شود و، درنهایت، زبان تن که مبادله فرهنگی را از طریق حرکات و وضعیت جسمانی میسر می‌سازد، مثلاً اشاره با چشم و حالات بدن که نباید آن را در تحلیل زبانی نادیده گرفت (ویلیام بیمن، ۱۳۸۱: ۱۰۴؛ عضدانلو، ۱۳۸۸؛ گیدنز، ۱۳۸۷). در کاربرد مثل‌ها، گونه‌های سه‌گانه زبان لحاظ می‌شود.

افزون بر این، شناسایی این بعد از فرهنگ شفاهی در چهارچوب تحلیل گفتمان صورت می‌گیرد که مبتنی بر مطالعات نظام‌مند ساختار، کارکرد و فرایند تولید گفتار، و نوشتار است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۷). اگر بخواهیم از تحلیل گفتمان در مفهوم فوکویی آن بهره‌مند شویم، نمی‌بایست بر مؤلف یا گردآورندگان مثل‌ها و تعبیرهای کنایی تأکید کنیم بلکه توجه خود را بیش‌تر معطوف به جامعه‌ای بدانیم که آن مثل‌ها در بستر آن شکل گرفته است (فوکو، ۱۳۷۸: ۱۰). بر این مبنا، درک شرایطی که گفتمان در آن پدیدار می‌شود در مد نظر است (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۵۹).

در پیشینه تحقیقات انجام شده پیرامون مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی نیز جنبه پژوهش ادبی غالب است. این پژوهش‌ها را می‌توان در سه مقوله زیر مشخص کرد:

**دسته اول به گردآوری مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی اختصاص دارد که از آن جمله:** علی‌اکبر دهخدا (۱۳۵۲)، محمدعلی جمال‌زاده (۱۳۴۵)، امیرقلی امینی (۱۳۵۰)، مهدی سهیلی (۱۳۴۹)، جعفر شهری (۱۳۷۰)، رحیم عفیفی (۱۳۷۱)، حمید شعاعی (۱۳۵۱)، سیدیچی برقی (۱۳۵۱) را می‌توان نام برد.

**دسته‌ای دیگر از اندیشمندان به ریشه‌یابی مثل‌ها پرداخته‌اند از جمله:** ابوالقاسم انجوی شیرازی (۱۳۵۲)، مهدی پرتوی آملی (۱۳۷۸) و ابوالحسن نجفی (۱۳۸۷).

**دسته‌ای هم مثل‌ها را به نوعی طبقه‌بندی کرده‌اند، از جمله می‌توان به صادق هدایت (۱۳۴۲) و احمد شاملو (۱۳۵۷) اشاره کرد.**

با توجه به موارد پیش‌گفته، در نوشتار حاضر، به سؤالات زیر پاسخ داده خواهد شد:

نخست آن‌که صورت بلاغی (rhetorical type) حاکم در عبارات مورد مطالعه چیست؟ مثل است یا تعبیر کنایی؟

سپس نحوه خطاب (types of address) مثل‌ها و تعبیرهای کنایی در مد نظر است. خطاب مستقیم یا غیر مستقیم به انسان است؟

و در نهایت شیوه بیان (manner of expression) غالب در مثل‌ها و تعبیرهای کنایی کدام‌اند؟ توصیفی یا عاطفی است؟

پس هدف این مقاله شناسایی صورت بلاغی، نحوه خطاب و شیوه بیان گزیده‌ای از مثل‌ها و تعبیرهای کنایی است.

## ۲. روش تحقیق

روش انتخابی در این تحقیق تحلیل محتوا است که به سه دلیل برای مطالعه حاضر مناسب دانسته شده: نخست آن‌که قصد این پژوهش شناخت داده‌هایی با ویژگی نمادین (کرپیندورف، ۱۳۷۸: ۷)، یعنی زبان، در میان است، دوم این‌که توصیف عینی، منظم و کمی محتوای زبانی به‌مثابه یک پیام در مد نظر است (هولستی، ۱۳۷۳: ۱۳؛ ساروخانی، ۱۳۷۷). سوم این‌که، بررسی مثل‌ها و تعبیرهای کنایی به‌مثابه گنجینه‌ای از ادبیات فرهنگ عامه مطرح است. در این خصوص نیز سایر محققان از جمله مک‌کلند

(۱۹۶۳) در زمینه ادبیات داستانی در کشورهای مختلف از این روش بهره جسته‌اند. در این جا شاید این پرسش مطرح شود که آیا می‌توان تحلیل محتوا را برای تعبیرهای کنایی نیز به کار بست؟ پاسخ مثبت است، زیرا با استناد به آرای مشاوران علمی ما در بخش‌های روش‌شناسی و ادبی از یک سو و ادبیات موجود از سوی دیگر (از جمله ابوالحسن نجفی، ۱۳۸۷) در این پژوهش چنین تعبیر شده است که کاربرد تعبیرهای کنایی نیز مانند مثل‌ها دارای بار ارزشی است (به مفهوم تشویق به انجام کاری یا نفی از انجام کار دیگر).

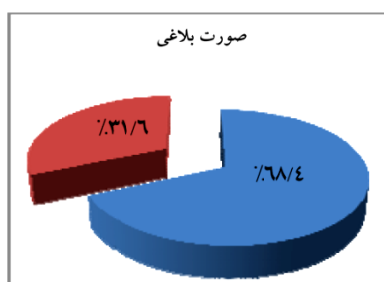
داده‌های این پژوهش برگرفته از اثر دبیر سیاقی (۱۳۵۸) با عنوان *گزیده امثال و حکم* است. کلیه مثل‌ها و تعبیرهای کنایی موجود در این اثر حجم نمونه انتخابی یعنی ۲۲۷۱ مثل و تعبیر کنایی است که براساس ضریب خطای کم‌تر از ۳ درصد محاسبه شده است.<sup>۲</sup> هم‌چنین با مراجعه به مجموعه چهارجلدی *امثال و حکم دهخدا* (۱۳۵۲)، *فرهنگ عوام امینی* (۱۳۵۰)، *قند و نمک جعفر شهری* (۱۳۷۰)، *فرهنگ فارسی عامیانه نجفی* (۱۳۷۸)، و *کتاب کوچۀ احمد شاملو* (۱۳۵۷)، مثل‌های همانند استخراج شده‌اند. گروه تحقیق با مراجعه هم‌زمان به آثار پیش‌گفته و بهره‌گیری از نظر مشاوران علمی سعی کرد تا حد امکان ساختار کلامی مستتر در مثل‌ها و تعبیرهای کنایی را استخراج نماید. واحد تحلیل و واحد شمارش محتوای پیام نهفته در هر مثل یا تعبیر کنایی است. مثلاً، در عبارت «نمک‌خوردن و نمکدان شکستن»، **صورت بلاغی**: تعبیر کنایی، **طرز بیان**: عاطفی، و **نحوه خطاب**: غیر مستقیم، تعبیر شده است.

در این پژوهش از مقوله‌های استاندارد از پیش موجود استفاده نشده است، بلکه مقوله‌های ارائه‌شده، پس از مشورت در گروه تحقیق، انتخاب و سپس توسط مشاوران علمی مورد ارزیابی قرار گرفته است. تحلیل نتایج نیز براساس فراوانی‌های (درصدی) انجام شده و پردازش داده‌ها با نرم‌افزار آماری SPSS صورت گرفته است. افزون بر این، تحلیل محتوا با هدف اکتشافی به کار برده شده و فرضیه‌ای برای آزمون پیش‌بینی نشده است. هم‌چنین سعی بر آن بوده است با انتخاب مقولاتی روشن، که با سؤالات تحقیق منطبق و هماهنگ باشند، اعتبار تحقیق تا حد امکان تضمین شود. درخصوص پایایی این پژوهش، به مفهوم تکرار آن در جای دیگر توسط سایر پژوهش‌گران با ضوابطی یکسان و دستیابی به نتایج مشابه نیز نهایت تلاش به کار رفته است تا، با قضاوت مکرر داوران و مشاوران علمی، پایایی پژوهش حاضر تضمین شود.

### ۳. ارائه یافته‌ها و تحلیل نتایج

در این مقاله، نتایج در سه محور: صورت بلاغی، نحوه خطاب، و شیوه بیان ارائه می‌شود:

#### ۱.۳ صورت بلاغی گزیده‌ای از مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی



در مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی مورد مطالعه در این پژوهش، تعبیر کنایی با ۶۷/۴ درصد و مثل با ۳۱/۶ درصد صورت بلاغی غالب است. تعبیر کنایی با ۶۷/۴٪ صورت بلاغی غالب در عبارات مورد مطالعه است. در تعریف این اصطلاح، شمیسا بر این نظر است که «کنایه عبارت یا جمله‌ای است که مراد گوینده معنای ظاهری آن نباشد، اما قرینه صارفه‌ای که ما را از معنای ظاهری متوجه معنای باطنی کند نیز وجود نداشته باشد» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۳۵ در ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۱۱۲). ذوالفقاری ویژگی‌های رایج بودن، داشتن معنی مجازی و غیر حقیقی، کوتاه بودن، اندرزگونه نبودن، جنبه تشبیهی و استعاره‌ی نداشتن را برمی‌شمرد (۱۳۸۷: ۱۱۵). در این پژوهش، با استناد به منابع پیش گفته، تعبیر کنایی به شرح زیر تعریف شده است:

تعبیر کنایی عبارتی کوتاه به نثر است که غالباً پیامی دال بر نکته‌ای دارد. این پیام نهفته در متن را نمی‌توان مستقیماً دریافت، زیرا به خلاف مثل، که غالباً معنی حقیقی دارد، تعبیر کنایی هم معنی حقیقی و هم معنی مجازی دارد. هم‌چنین تعبیر کنایی قرینه صارفه ندارد یعنی معنی‌ای که ما را از معنی واقعی منصرف کند، مثل سپر انداختن که به معنی "تسلیم شدن" است. در این پژوهش، صورت بلاغی تعبیر کنایی با ۶۷/۴ درصد بیش‌ترین میزان را به خود اختصاص داده است. نمونه‌هایی از تعبیرهای کنایی به قرار زیر است:

- بازار گرمی کردن.

- آهن سرد کوفتن.

- آب با غربال پیمودن.

- نمک خوردن و نمکدان شکستن.

صاحب‌نظران از مثل نیز، همانند تعبیر کنایی، تعاریفی متفاوت ارائه داده‌اند. از جمله، پورنامداریان می‌نویسد: مثل کلمه‌ای عربی است به معنی: مانند، قصه، سرگذشت، و پند. در فارسی به آن داستان، نمون، نیوشه، ضرب‌المثل و تمثیل نیز گفته‌اند (۱۳۳۸: ۱۱۱-۱۱۴). ذوالفقاری، با بهره‌گیری از تعاریف مختلف و جمع‌بندی آن‌ها، این تعریف را می‌آورد: مثل جمله‌ای است کوتاه، استعاری برگرفته از تجربیات روزانه با مضمونی حکیمانه حاوی اظهار نظر یا عقیده کلی و پندآموز که به دلیل روانی الفاظ، روشنی معنی و موسیقی کلام میان مردم مشهور شده است و آن را با تغییر در گفتار خود به کار می‌برند و به آن استناد می‌کنند (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۱۱۷).

در تحقیق حاضر، مثل چنین تعریف شده است: عبارتی کوتاه به نثر یا به نظم که چکیده تجربیات گذشتگان و حاوی پیامی پندآموز است. مراد گوینده از به‌کارگیری آن غالباً انتقال احساس خوشایند یا ناخوشایند نسبت به مورد مثل است. گوینده قصد دارد به‌طور ضمنی فرد را متوجه نکات مثبت یا منفی موقعیت یا عملش بنماید، هرچند ممکن است شنونده بدان ترتیب اثری ندهد. نکته اخلاقی مستتر در مثل نسبتاً ماندگار است و قشرهای اجتماعی از طریق آن پیام نهفته به انجام دادن برخی اعمال ترغیب و از انجام دادن برخی دیگر منع می‌شوند.

شایان ذکر است، هدف گروه تحقیق صرفاً بازشناسی مصادیق تفکیک مثل از تعبیر کنایی نبوده، بلکه نحوه انتقال پیام به صورت مثل و یا تعبیر کنایی مهم قلمداد شده است. در پژوهش حاضر، مثل، با ۳۱/۶ درصد، دومین شاخص صورت بلاغی است که در عبارات زیر بازتاب دارد:

- از دل برود هر آن که از دیده برفت.

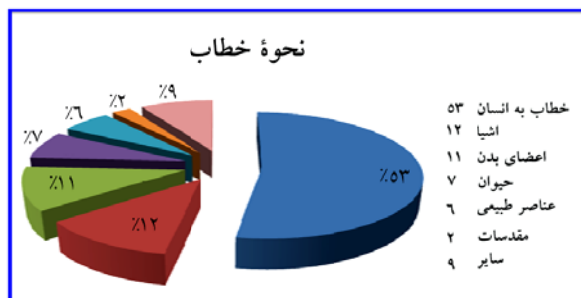
- اجل برگشته میرد نه بیمار سخت.

- خدا به قدر قلب هرکس می‌دهد.

- خلاق هرچه لایق.

در تحلیل غالب بودن تعبیر کنایی در صورت بلاغی مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی، شماری از اندیشمندان بر این نظرند که، در تعاملات روزمره و برای رساندن پیام خود به

مخاطب، ایرانیان غالباً در لفافه سخن می‌گویند و منظور خود را آشکار و صریح بیان نمی‌کنند. بیمن، با تفسیر تفاوت میان درون و برون، عدم صراحت لهجه ایرانیان را اصلی مهم در تعاملات اجتماعی آنان قلمداد می‌کند (۱۳۸۱: ۶۳).



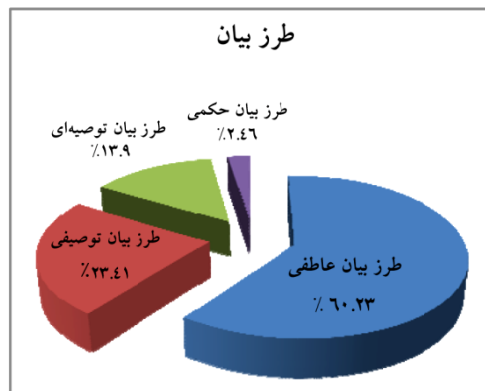
### ۲.۳ نحوه خطاب گزیده‌ای از مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که نحوه خطاب غیر مستقیم به انسان با ۲۷/۵۷ درصد نسبت به خطاب مستقیم به انسان ۷۳/۴۲ برتری دارد.

در این پژوهش، نحوه خطاب به دو گونه: خطاب مستقیم به انسان که مراد نحوه خطابی است که در آن کاربر، بی‌واسطه اشیا یا عناصر، پیام خود را به انسان منتقل می‌کند؛ و خطاب غیر مستقیم که در آن ارجاع به انسان به واسطه اعضای بدن، اشیا، عناصر طبیعی، حیوان، و ... صورت می‌گیرد تعریف شده است.

یافته‌ها حاکی از آن است که نحوه خطاب غیر مستقیم با ۲۷/۵۷ درصد (از جمله خطاب به اشیا ۷۹/۱۲ درصد، خطاب به اعضای بدن موجودات زنده ۱۶/۱۲ درصد، حیوان ۷/۶۷ درصد، عناصر طبیعی ۳۷/۶ درصد، مقدسات ۴/۸۲ درصد، و سایر ۵۶/۹ درصد را به خود اختصاص داده‌اند) در مقابل خطاب مستقیم به انسان با ۷۳/۴۲ درصد است. این موارد در مثل‌ها و تعبیرهای کنایی زیر بازتاب دارد:

- ناکرده کار نبر به کار (خطاب مستقیم به انسان).
- نقش خود را در آب دیدن (خطاب غیر مستقیم: انسان و عناصر طبیعی).
- جیک جیک مستونت بود فکر زمستونت نبود (خطاب غیر مستقیم: انسان و حیوان).
- ناف ما را با هم نبریده‌اند (خطاب غیر مستقیم: انسان و اعضای بدن انسان).
- حاجی حاجی را به مکه بیند (خطاب غیر مستقیم: انسان و مقدسات).



با توجه به موارد بالا و درصدهای ذکر شده درمی‌یابیم که، در بسیاری موارد، نقطهٔ ارجاع مثل‌ها از طریق اشیا، اعضای بدن، حیوانات و خطاب غیر مستقیم به انسان است. در این تمثیل‌ها، اشیا و دیگر عناصر اعمالی را انجام می‌دهند که معمولاً از آدمیزاد سر می‌زند. این مطلب شاید نشانهٔ آن است که از قدیم‌الایام در مشرق‌زمین، به جهات اجتماعی و سیاسی، علل زمانی و مکانی سخن آدمیزاد بر زبان اشیا و حیوانات و ... می‌گذشت تا طرح مسائل برای نویسنده عقوبتی را به‌وجود نیاورد (انجوی شیرازی، ۱۳۵۷: ۱۱). این نکته نه‌تنها در *مرزبان‌نامه*، *کلیله و دمنه*، *طوطی‌نامه* و دیگر کتاب‌های این رشته از ادب رسمی دیده می‌شود بلکه در ادبیات عوام نیز مشهود است. در حکایات طنزآلود ایران، رفتارهای اجتماعی و سیاسی دست‌مایهٔ طنز قرار می‌گیرد. از آنجایی که بیان بی‌پردهٔ احساسات کار آسانی نبوده است، مردم در گذشته از داستان حیوانات و تمثیل‌ها برای بیان اندیشه‌های خود بهره می‌برده‌اند. در این‌باره، از طنزنویسان نامی می‌توان به عبید زاکانی اشاره کرد (سیپک، ۱۳۸۴: ۶۱-۸۳).

### ۳.۳ طرز بیان گزیده‌ای از مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی

در پژوهش حاضر، طرز بیان با توجه به محتوای مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی در وجوه چهارگانه: عاطفی با ۲۳/۶۰ درصد، توصیفی با ۴۱/۲۳ درصد، توصیه‌ای با ۹/۱۳ درصد و حکمی با ۴۶/۲ درصد ارائه شده است.

توصیفی وصف صفات و ویژگی‌هاست (هر گردویی گرد است اما هر گردی گردو نیست)؛ طرز بیان توصیه‌ای با پند و اندرز همراه است (وصلت با خویش، معامله با بیگانه)؛



طرز بیان حکمی با امر و نهی همراه است (سرنا را باید از سر گشادش زد). در نهایت، طرز بیان عاطفی در سه وجه: عاطفی منفی (بیانی همراه با تحقیر، تهدید، افسوس، و سرزنش)، عاطفی مثبت (تحسین، امیدواری، تأیید و هم‌دردی)، و عاطفی درخواستی (بیان‌گر آرزوها و تقاضا) تعریف شده است.

در خصوص طرز بیان غالب مثل‌ها و تعبیرهای کنایی، بیش‌ترین درصد را شیوه بیان عاطفی با ۲۳/۶۰ درصد (شامل عاطفی منفی ۵۶/۵۳، عاطفی مثبت ۲۵/۴ و عاطفی درخواستی ۴۲/۲) و کم‌ترین درصد را طرز بیان حکمی با ۴۶/۲ درصد دارد. پس از آن، طرز بیان توصیفی با ۴۱/۲۳ درصد و توصیه‌ای با ۹/۱۳ درصد قرار می‌گیرد.

شایان ذکر است که پایین بودن طرز بیان حکمی در بخش دیگری از این پژوهش تأیید شده است و آن هنگامی است که درمی‌یابیم که وجوه فعل امری کم‌ترین میزان را به خود اختصاص داده است: ۹/۵ درصد در برابر وجه اخباری با ۳/۵۷ درصد، مصدری ۱/۱۸ درصد و سایر وجوه نیز ۶/۱۸ درصد. طرز بیان عاطفی در مثل‌ها و تعبیرهای کنایی زیر بازتاب یافته است:

- روزه بی‌نماز، عروس بی‌جهاز، قورمه بی‌پیاز (تحقیر).

- رو نیست سنگ پای قزوین است (سرزنش).

- وفای هر چیز بیش از آدمیزاد است (افسوس).

- مگر پشت گوشت را ببینی (تهدید).

- رعیت درخت جواهر است (تحسین).

- ریشش را در آسیاب سفید نکرده است (هم‌دردی).

- در ناامیدی بسی امید است پایان شب سیه سفید است (امیدواری).

- هیچ خانه‌ای بی‌بزرگ‌تر نباشد (تمنا).

- خدا از دهنش بشنود (آرزو).

در زمینه غالب بودن بعد عاطفی در میان ایرانیان، آرای پژوهشگران متفاوت است. گروهی، از جمله علی‌محمد ایزدی (۱۳۸۳)، با بهره‌گیری از نظریه اریک برن، علت عاطفی بودن ایرانیان را درونی و براساس سه گونه شخصیتی والد، کودک، و بالغ تحلیل کرده‌اند. شخصیت بالغ براساس منطق و احترام متقابل استوار است. شخصیت کودک تحت تأثیر احساساتش، عجز، مطیع و به‌دنبال پناه‌گاه است و در نهایت شخصیت والد سلطه‌جو است.

دسته‌ای دیگر عوامل بیرونی را تعیین‌کننده می‌دانند، از جمله اسلامی ندوشن (۱۳۷۱) بر این نظر است که احساساتی بودن باعث شده ایرانی به افراط و تفریط کشیده شود. چلبی (۱۳۸۱) احساساتی بودن و ابراز عصبانیت ایرانی در جمع را ذکر می‌کند. نویسندگان دیگری نیز بر افراط و تفریط‌گرایی ایرانیان، که از شاخص‌های بارز هیجانی بودن است، اشاره دارند. از جمله، محمدی (۱۳۸۱) به افراط و تفریط‌گرایی ایرانی اشاره کرده لرنر (Lerner, 1964) افراط‌گرایی را عمده‌ترین ویژگی شخصیتی ایرانیان قلمداد می‌کند. در پژوهش حاضر نیز ساختار کلامی مثل‌ها و تعبیرهای کنایی را به‌سختی می‌توان جدا از بافت اجتماعی آن‌ها تحلیل کرد. از این‌رو، تحلیل ساختار زبانی مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی با توجه به تحلیل ساختار نگرشی و ارزشی مورد مطالعه در پژوهش حاضر ممکن می‌شود. در این‌جا یادآوری یک نکته ضروری به نظر می‌رسد و آن این‌که برتری بعد عاطفی، هم در بررسی ساختار کلامی مثل‌ها و تعبیرهای کنایی و هم در ساختار نگرشی، چشم‌گیر است؛ از جمله، در بررسی نگرشی مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی، که براساس سه بعد اساسی نگرش یعنی بعد شناختی، رفتاری و عاطفی صورت گرفته است (بارون، ۱۳۸۸)، بعد احساسی با ۲۴/۷۵ درصد، غالب‌ترین بعد نسبت به دو بعد دیگر، شناختی ۱۴/۱۷ و بعد رفتاری ۶۲/۷ درصد، بوده است. هم‌چنین در تحلیل بخش ارزشی مثل‌ها و تعبیرهای کنایی نیز توصیه به خردمندی با ۹/۴۰ درصد، نسبت به دو مقوله دیگر، توصیه به قید اخلاقی ۵۵/۳۳ درصد و توصیه به سخت‌کوشی ۱/۱۱ درصد، بیش‌ترین میزان را به خود اختصاص می‌دهد (مؤید حکمت، ۱۳۸۶: ۹۸). شماری از نویسندگان این امر، یعنی غالب‌بودن بعد عاطفی، را به‌مثابه نوعی واکنش در مواجهه با احساس امنیت ایرانیان در برابر قدرت‌های حاکم تعبیر کرده‌اند (فولر، ۱۳۷۳: ۲۱؛ کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۸).

#### ۴. نتیجه‌گیری

اندیشمندان از منظرهای مختلفی درهم‌آمیختگی زبان با ساختار اجتماعی را تحلیل کرده‌اند. در این زمینه، میشل فوکو گفتمان را غیر قابل تقلیل به زبان، سخن و گفتار می‌داند و بر این نظر است که امروزه گفتمان، بیان‌گر ویژگی‌ها و خصوصیات تاریخی اموری است که ناگفته باقی می‌ماند (فوکو در فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۱؛ عضدانلو، ۱۳۸۰). ون دایک نیز به اهمیت بررسی سطوح مختلف گفتمان از سوی محقق اشاره دارد (۱۳۸۲: ۹-۱۷). بوردیو هم زبان را عینیت‌یافتن رابطه‌ای اجتماعی مبتنی بر تمایز تفسیر می‌کند (۱۳۹۰: ۳۱۰). قصد این

نوشتار به چالش کشیدن تحلیل‌های گفتمان انتقادی نیست بلکه پرداختن به فصل مشترک آن‌هاست که همانا درهم‌تنیدگی زبان با بستر اجتماعی است؛ به‌گونه‌ای که پدیده‌ی زبانی به‌مثابه بخشی از فرایند اجتماعی تحلیل شود.

در بررسی ساختار کلامی مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی، دریافته شد صورت بلاغی تعبیر کنایی، نحوه خطاب غیر مستقیم به انسان، شیوه بیان عاطفی محورهای زبانی بارز در مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی است.

درواقع، می‌توان گفت پدیده‌ی زبانی همواره پدیده‌ای اجتماعی و متقابلاً پدیده‌ی اجتماعی نیز پدیده‌ای زبانی است. به این معنا که آن فعالیت زبانی که در زمینه اجتماعی خاصی رخ می‌دهد صرفاً بیان یا بازتابی از فرایندهای اجتماعی نیست، بلکه خود بخشی از آن فرایند است (کاشی، ۱۳۷۹: ۷۵). از این منظر، شناسایی ویژگی ساختار کلامی مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی، افزون‌بر آن که به‌خودی‌خود حائز اهمیت است، دو بعد دیگر یافته‌های این پژوهش، یعنی بعد نگرشی و بعد ارزشی را نیز تأیید می‌کند؛ زیرا مطالعات گفتمان‌دارای سطوح و جوانب مختلف است و هر محقق می‌تواند سطح یا جنبه‌ای از آن را بررسی کند (ون دایک، ۱۳۸۲: ۹-۱۷). بدین‌نحو که، در بررسی ابعاد نگرشی مثل‌ها و تعبیرهای کنایی، بعد عاطفی با ۲۴/۷۵ نسبت به دو بعد شناختی ۱۴/۱۷ و بعد رفتاری ۶۲/۷ درصد برتری قابل ملاحظه‌ای داشته است. درحالی که، در بررسی بعد ارزشی مثل‌ها و تعبیرهای کنایی، توصیه به خردمندی و به‌ویژه مؤلفه موقعیت‌شناسی با ۷/۷۴ و تشویق احتیاط با ۸/۱۳ نسبت به دو مؤلفه دیگر (۵/۱۱ درصد)، این مضمون درصد قابل ملاحظه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند. بدین ترتیب می‌توان دریافت که یافته‌های پژوهش حاضر بر اولویت عاطفه در برآیند ابعاد سه‌گانه نگرشی، ارزشی و کلامی مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی استوار است. حال اگر این اولویت عاطفی از منظر روان‌شناختی تحت لوای «کاووش عاطفی» (affect heuristic) و یا از منظر جامعه‌شناختی تحت لوای «عاطفه‌گرایی» (affectivite/affectivity) (Scott & Marshall, 2005) تعبیر شود، تفاوتی نمی‌کند. مهم آن است که در پژوهش‌های آتی بر حضور این وجه توجه شود.

## پی‌نوشت

۱. نوشته حاضر برگرفته از طرح پژوهشی درآمدی بر شناسایی ارزش‌های بارز فرهنگی در گزیده‌ای از مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی است که در انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و

مطالعات فرهنگی چاپ شده است. بخش ادبی این طرح، که مقاله حاضر برگرفته از آن است، با همکاری صمیمانه سرکار خانم ماری بریجانیان انجام شده است. دو منظر دیگر این پژوهش یعنی بعد ارزشی (مؤید حکمت، ۱۳۸۶) و نگرشی (مؤید حکمت، ۱۳۹۰) نیز در مقالات جداگانه‌ای به چاپ رسیده‌اند. جا دارد مراتب سپاس خود را به حضور مشاوران علمی محترم طرح مزبور استادان احمد سمیعی گیلانی و دکتر یحیی مدرسی تقدیم دارم.

۲. با استناد به میانگین حداقل ۶۵ (سهیلی، ۱۳۴۹) و حداکثر ۶۰۰۰ (دهخدا، ۱۳۵۲) مثل فارسی گردآوری شده و براساس جدول نمونه‌گیری (Sudman, 1970)، اگر ۹۳۸ مثل به‌عنوان نمونه اختیار می‌شد، ضریب خطا ۳٪ بود.

## منابع

- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۱). «ایرانی کیست؟، ایران و ایرانیان در گذرگاه تاریخ»، *ایران فردا*، س ۱، ش ۵. افشار، ایرج (۱۳۶۹-۱۳۷۴). *فهرست مقالات فارسی در زمینه تحقیقات ایرانی، ج ۴ و ۵*، تهران: علمی و فرهنگی.
- امینی، امیرقلی (۱۳۵۰). *فرهنگ عوام*، تهران: بی‌نا.
- آنتونی گیدنز (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- انجوی شیرازی، ابوالقاسم (۱۳۵۷). *تمثیل و مثل*، تهران: امیرکبیر.
- ایزدی، علی محمد (۱۳۸۳). *چرا عقب مانده‌ایم؟، جامعه‌شناسی مردم ایران*، ج ۲، تهران: نشر علم.
- بارون، رابرت، دان بیرن، و نایلاب برنسکامب (۱۳۸۸). *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه یوسف کریمی، تهران: نشر روان.
- برقعی قمی، یحیی (۱۳۵۱). *کاووشی در امثال و حکم فارسی*، تهران: نشر نی.
- بیمن، ویلیام (۱۳۸۱). *زبان، منزلت و قدرت در ایران*، ترجمه رضا ذوقدار مقدم، تهران: نشر نی.
- پرتوی آملی، مهدی (۱۳۷۸). *ریشه‌های تاریخی امثال و حکم*، تهران: اشراقی.
- پورنامداریان، محمدتقی (۱۳۶۸). *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی*، تهران: علمی و فرهنگی.
- جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۵۰). *خلقیات ما ایرانیان*، آلمان: نوید.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۱). *بررسی نظام شخصیت در ایران*، تهران: مؤسسه پژوهش فرهنگ هنر و ارتباطات.
- دبیر سیاقی، سیدمحمد (۱۳۵۸). *گزیده امثال و حکم*، تهران: فرهنگ و آموزش عالی و سازمان یونسکو.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۲). *امثال و حکم*، ج ۳، تهران: امیرکبیر.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۷). «تفاوت کنایه و ضرب‌المثل»، *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ش ۱۰.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۷). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ج ۱ و ۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- سهیلی، مهدی (۱۳۴۹). *ضرب‌المثل‌های معروف ایران*، تهران: اشراقی.
- شاملو، احمد (۱۳۶۱). *کتاب کوچک*، تهران: مازیار.
- شجاعی، حمید (۱۳۵۱). *امثال شعر فارسی*، تهران: گوتنبرگ.
- شهری، جعفر (۱۳۷۰). *قند و نمک*، تهران: اسماعیلیان.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۰). *گفتمان و جامعه*، تهران: نشر نی.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۸). *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، تهران: نشر نی.
- عفیفی، رحیم (۱۳۷۱). *مثل‌ها و حکمت‌ها در آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم هجری*، تهران: سروش.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*، مترجمان: فاطمه شایسته پیران، شعبان‌علی بهرام‌پور، رضا ذوقدار مقدم، رامین کریمیان، پیروز ایزدی، محمود نیستانی، محمدجواد غلامرضا کاشی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- فوکو، میشل (۱۳۸۷). *نظم گفتار*، ترجمه باقر پرهام، تهران: آگه.
- فولر، گراهام (۱۳۷۳). *قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۸۴). *دولت و جامعه در ایران*، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز.
- کرپندروف، کلوس (۱۳۷۸). *تحلیل محتوا*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: رشد.
- کاشی، محمدجواد غلامرضا (۱۳۷۹). *ذهنیت فرهنگی و نظام معانی در انتخابات دوم خرداد*، تهران: جادوی گفتار.
- محمدی، بیوک و همکاران (۱۳۸۱). *بررسی نقش عوامل فرهنگی مؤثر در توسعه ایران*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مؤید حکمت، ناهید (۱۳۹۰). «درآمدی بر شناسایی نگرش‌های بارز فرهنگی در گزیده‌ای از مثل‌ها و تعبیرهای کنایی مکتوب فارسی»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ش ۱۲۱.
- مؤید حکمت، ناهید (۱۳۸۶). «ارزش‌های بارز فرهنگی در مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی»، *نامه فرهنگستان*، دوره نهم، ش ۴.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی عامیانه*، ج ۲، تهران: نیلوفر.
- هولستی، ال. آر. (۱۳۷۳). *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱). *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، تهران: دفتر طرح‌های ملی.
- ون دایک، تئون ای (۱۳۸۲). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان*، مترجمان: پیروز ایزدی، شعبان‌علی بهرام‌پور، علیرضا خرمایی، محمدجواد غلامرضا کاشی، و تژا میرفخرایی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

Calhoun, Craig & Donald Keller (1994). *Sociology*, 6<sup>th</sup> ed, NY: Mc Grow Hill.

Hass. S. William (1966). *Persian Psychology*, NY: ams Iran.

Lerner, Daniel (1964). *The Passing of Traditinal Society*, NY: free press.

- Lerner, Daniel (1968). 'Social aspects of Modernization', *International Encyclopedia of the Sociology*, Vol. 9-10, NY: The free Press.
- Mcclelland, David (1963). *National Character and Economic Growth in Turkey and Iran in Communication and Political Development*, Princeton University Press.
- Ralston, David, David Holt, Robert Terpstra, & Yukai-cheng (1977). *The Impact of National Culture and Economic Ideology on Managerial Work Values: A study of United States, Russia, Japon and China*.
- Schwartz, Shaln H. & David Ralston (1992). *Universals in the Confort and Structure of Values*, San Diego: Academic Press.
- Scott, John & Gordon Marshall (2005). *A Dictionary of Sociology*, 3 rd ed., Oxford: Oxford University Press.